

بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین و میزان رضایت زناشویی با پرخاشگری کودکان

مهدی امیری^۱، زهره ملایی تراکمه^۲

۱. عضو هیئت‌علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۵-۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین و میزان رضایت زناشویی با پرخاشگری کودکان شهرستان لامرد می‌باشد. جامعه پژوهش شامل تمام نوآموزان پنج‌ساله ۱۸ مهدکودک شهرستان لامرد و والدینشان که در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در مهدکودک‌های این شهرستان مشغول به فعالیت هستند می‌باشد. نمونه آماری آن شامل ۵۰ نفر از کودکان مذکور و والدین آن‌ها بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از جامعه فوق انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد فرزند پروری بامریند، پرسشنامه پرخاشگری آرنولد باس و مارک پری اچ و پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ که پایایی و روایی آن توسط پژوهش‌های قبلی در ایران تأیید شده است، می‌باشد. عمده‌ترین نتایج تحقیق مبین آن است که بین سبک فرزند پروری دموکراتیک، سهل‌گیرانه و مستبدانه والدین با مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین رضایت زناشویی والدین با مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان و بین رضایت زناشویی والدین با سبک فرزند پروری هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: فرزند پروری، رضایت زناشویی، پرخاشگری، کودکان.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
علوم تربیتی

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مسائل مهمی است که در زندگی انسان‌ها آثار فراوانی از نظر رشد و ارتقا شخصیت و نیل به کمالات اخلاقی و انسانی و همچنین حفظ بهداشت روانی و افزایش کارایی می‌تواند داشته باشد. اثرات مطلوب ازدواج منوط به شرایطی است که منجر به رضامندی از زندگی زناشویی و نهایتاً از زندگی می‌شود. بدون شک یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی کودکی است. دورانی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد. امروز این حقیقت انکارناپذیر به اثبات رسیده است که کودکان در سنین پایین فقط به توجه و مراقبت جسمانی نیاز ندارند بلکه این توجه باید همه ابعاد وجودی آن‌ها شامل رشد اجتماعی عاطفی شخصیتی و هوشی را در برگیرد (کمالی نیا و همکاران، ۱۳۹۰). تأثیر خانواده بر فرایند «تحول» چنان بارز است که با وجود اختلاف موجود بین صاحب‌نظران روان‌شناسی، در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر تحول، نقطه نظر مشترکی دارند. اکثر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (برومند نسب، ۱۳۷۶).

تصور عموم بر این است که فرزند پروری خصوصیتی است که پس از تولد کودک به والدین اعطا می‌گردد درحالی‌که فرزند پروری مهارت و علمی است که نیاز به آموزش و فراگیری دارد و طبعاً والدینی که این مهارت را کسب نکرده باشند توانایی اداره کردن رفتارهای نامناسب کودک خویش را ندارند و ممکن است با توسل به شیوه‌های نادرست موجب تشدید مشکلات رفتاری کودک گردند (عربگل، ۱۳۸۷). برخی تعاملات والدین و کودکان در درازمدت موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان می‌شوند؛ زیرا این رفتارها تقویت می‌شوند سپس سودمندی و فواید پرخاشگری را به موقعیت‌های دیگر هم تعمیم می‌دهند. در چنین شرایطی چون از پرخاشگری نسبت به همشیران و هم‌سالان خود نتیجه گرفته‌اند و تقویت شده‌اند پرخاشگر باقی می‌مانند و در آینده نیز ممکن است یک فرد ناموفق و یا پرخاشگر باشد و دارای مشکلات خانوادگی باشد (مارتین هربرت؛ ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۴).

از آنجاکه کودکان رفتار پدر و مادر را یاد می‌گیرند و نقش آن‌ها را الگوبرداری می‌نمایند و در اوایل زندگی اغلب با کمک والدین و خانواده به‌عنوان لنگر وارد اجتماعی بزرگ‌تر می‌شوند (دنیل اکستین و روی کرن؛ ترجمه علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹) رفتارهای خشن را نیز یاد می‌گیرند و هرگونه رفتار پرخاشگرانه برای کودک یک رفتار عادی ممکن است تلقی شود و او آن را انجام بدهد. پس با توجه به اهمیت رفتار و پرخاشگری در زندگی کودکان و نقش پررنگ نوع شیوه فرزند پروری والدین بر نوع رفتار و میزان پرخاشگری کودکان با دیگران به‌خصوص هم‌سالان آن‌هم در یک محیط به‌دوراز خانه یعنی محیط مهدکودک که چشم پدر و مادر را دور می‌بیند. رابطه والدین اعم از آموزشی یا غیر آموزشی با فرزندان، رابطه‌ای یکسان و بر طبق یک الگو و مدل خاصی نیست. به گفته کاستلان^۱ "یک مدل فرزند پروری در همه خانواده‌ها وجود ندارد. بلکه به تعداد خانواده‌ها، تعداد روش‌های فرزند پروری وجود دارد (کاستلان^۱، ۱۹۸۶). امر جامعه‌پذیری توسط منابع مختلف بر روی انسان عملی شده و هر یک بخشی از شخصیت فرهنگی و اجتماعی شخص اجتماعی شده را می‌سازند. در این بین، خانواده در اکثر جوامع از جمله ایران بیشترین نقش را ایفا کرده که این

^۱. Castellan

نقش در رفتارها و نوع فرزند پروری آنها متبلور می شود. در این رابطه ثنائی (۱۳۷۹) به نقل از مینوچین^۱ (۱۹۸۱) بر این باور است که فرد بدون خانواده، قابل تعریف نیست. در واقع خانواده کانون شکل گیری و هویت فرد است. رابطه والدین با فرزندان یا شیوه های فرزند پروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بردارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسایی، رشد و پیشرفت استعداد های فرزندان، آموزش مهارت ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف می باشند. "پارسنز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می گیرد" (اعزازی، ۱۳۷۶). این گونه اهداف والدین که شامل تمام فعالیت ها و اعمالی می شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط آنها را با فرزندان در رفتارهای روزمره (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶) نشان می دهد، هسته اصلی این مقاله بوده که تحت عنوان فرزند پروری یا رابطه آموزشی مطرح می باشد. دایانا بامریند^۲ (۱۹۶۷) در یک رشته تحقیقات، با زیر نظر گرفتن والدینی که با فرزندان پیش دبستانی خود تعامل می کردند، اطلاعاتی را در مورد شیوه های فرزند پروری گردآوری کرد. معلوم شد که فرزند پروری دو جنبه گسترده دارد: جنبه اول پرتوقع بودن است. برخی از والدین، معیارهایی عالی برای فرزندانشان مقرر می کنند و از آنها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند. والدین دیگر، توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی می کنند رفتار فرزندانشان را تحت تأثیر قرار دهند. جنبه دوم، پاسخ دهی است. برخی والدین، نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند و به درخواست های آنها پاسخ می دهند. آنها غالباً به بحث آزاد و گفتگو با فرزندان می پردازند. برخی والدین هم طرد کننده و بی اعتناء هستند. به طوری که ترکیبات گوناگون پرتوقعی و پاسخ دهی، چهار سبک فرزند پروری را به بار می آورد که عبارت اند از: مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و بدون دخالت.

رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (سینها و ماکرجی^۱، ۱۹۹۱ به نقل از میر احمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۲). پنج^۲ و همکاران او (۱۹۷۴) معتقدند که رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. ایلس^۳ (۱۹۸۹) بیان می کند که رضایت زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است هنگامی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند (سلیمانیان، ۱۳۷۳). رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (سینها و ماکرجی^۱، ۱۹۹۱ به نقل از میر احمدی زاده و همکاران، ۱۳۸۲).

رضایت زناشویی تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل متفاوت است که هیچ به تنهایی برای ایجاد رضامندی کافی نیست. البته این عوامل می توانند در زوجها فرهنگ های مختلف متفاوت باشند. با توجه به مطالب فوق رضایت افراد از ازدواجشان زمینه ساز هسته اصلی رضایت از خانواده و زندگی به طور کلی است. در پژوهش بنی جمالی و همکاران (۱۳۸۳) علل ازهم پاشیدگی خانواده ها و نیز موفقیت ازدواج زوج های جوان را شامل موارد ذیل عنوان کردند: ۱- کمی سن جوانان به هنگام ازدواج، فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

1. Minuchin

2. Diana Baumrind

3. sinha & mukerjee

4. Winch

5. Ellis

6. sinha & mukerjee

کم بودن سواد، پایین بودن سطح شغلی، دخالت بی‌مورد اطرافیان، پدیده طلاق والدین زوج‌های ناموفق، وابستگی مالی زوجین به والدین، همه از عوامل تهدیدکننده زندگی مشترک زوجین جوان بودند؛ ۲- عدم همسویی زوجین در جهات مختلف موجب اختلاف زناشویی بین زوجین می‌شود؛ ۳- تشابه نظرات زوجین به‌عنوان عامل تداوم‌بخش زندگی مشترک شناخته شد؛ ۴- وجود بیماری‌های جسمی، روانی و اختلالات رفتاری اعلام‌نشده از سوی همسران و خانواده‌های آن‌ها عامل سستی روابط بین زوجین تلقی شد. والدین مهم‌ترین الگوی یادگیری رفتارهای کودکان می‌باشند. بیشتر پیام‌هایی که کودکان از والدین خود دریافت می‌کنند از طریق ارتباط غیرکلامی است. آنان از طریق الگوبرداری از والدین خود چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران از جمله نحوه دستور دادن، درخواست کردن، مدیریت و نحوه ابراز خشم و سایر رفتارها را می‌آموزند. وقتی الگوی رفتاری والدین به‌صورت پرخاشگری کلامی همچون با صدای بلند و دادو فریاد صحبت کردن و دستور دادن و پرخاشگری غیرکلامی همچون تنبیه بدنی، پرت کردن وسایل و مشت کوبیدن باشد؛ کودکان نیز چنین الگوی رفتاری را برای ابراز درخواست‌های خود و تعامل با دیگران می‌آموزند (زارعی، ۱۳۸۹). گروهی از پدران و مادران، ناآگاهانه و به‌صورت غیرمستقیم با تحسین و تمجید رفتار خشن و تهاجمی دیگران، خشونت را در فرزندان خود ترغیب می‌کنند و یا تماشای فیلم‌های خشن و پر زدو خورد را به فرزندان توصیه می‌کنند؛ یا به رفتار خشونت‌بار فرزندان خود اهمیت نمی‌دهند و یا تحت تأثیر باورهای اشتباه، معتقدند که پسران باید رفتاری جدی و خشن داشته باشند تا پیشرفت کنند (سعیدی، ۱۳۹۱).

والدین می‌توانند در پاداش دادن و تنبیه کردن فرزندان رفتار باثباتی داشته باشند و با استفاده از راه‌های مؤثر بدون این‌که با تنبیه شدید همراه باشد پرخاشگری کودکان را کنترل کنند و بازآموزی کودکان در دورانی نسبتاً کوتاه میسر است (میرثانی، ۱۳۸۸). پرهیز از تنبیه بدنی، جلوگیری از تماشای اعمال خشونت‌آمیز، عدم تشویق رفتار پرخاشگرانه در رسیدن به هدف، رفع ناکامی‌ها یا تعدیل آن‌ها، توجه مثبت غیرمشروط به فرزند و هماهنگی والدین در تربیت کودکان از جمله روش‌های پیشگیری و مقابله با پرخاشگری در کودکان است (اسرافیان، ۱۳۸۹). کمالی نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر پرداختند که نتایج آن‌ها این بود که بهترین روش فرزند پروری برای کاهش پرخاشگری و مؤلفه‌های آن سبک دموکراتیک می‌باشد. رجب پور و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی اثربخشی گروه‌درمانی رابطه والد-کودک بر پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی نتیجه گرفتند گروه‌درمانی رابطه والد-کودک، با آموزش مهارت‌های فرزند پروری در کاهش پرخاشگری کلامی و فیزیکی کودکان پیش‌دبستانی مؤثر است. زارعی (۱۳۸۹) با مطالعه‌ای نتیجه گرفت که بین شیوه‌های فرزند پروری والدین و رفتارهای سازنده و مخرب فرزندان به دلیل نقش برجسته و بااهمیت والدین رابطه معنادار وجود دارد.

حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان پرداختند و نشان دادند که بین خودکارآمدی دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها شیوه‌های فرزند پروری متفاوتی داشته‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. سلامت روانی دانش‌آموزانی که شیوه‌های فرزند پروری متفاوتی را تجربه کرده‌اند، به‌صورت معنی‌داری باهم تفاوت دارد. بین سلامت روانی و خودکارآمدی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. شیوه فرزند پروری دانش‌آموزان با توجه به رشته تحصیلی آن‌ها متفاوت است. خودکارآمدی دانش

آموزان در رشته های مختلف متفاوت نمی باشد. دانش آموزانی که در رشته های مختلف تحصیل می کنند از نظر سلامت روانی تفاوت معنی داری باهم ندارند. بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر خودکارآمدی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

رضوی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و سبک های فرزند پروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان پرداخته و به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار و معکوس بین رضایت زناشویی و سبک های فرزند پروری مسئولانه با مشکلات رفتاری را تأیید کرد، هم چنین رابطه معنادار بین سبک های فرزند پروری سهل گیرانه والدین و مشکلات رفتاری فرزندان را نشان داد. در بررسی تفاوت بین نوع سبک های فرزند پروری و میزان مشکلات رفتاری فرزندان، تفاوت معنادار تأیید شد، اما در بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری سخت گیرانه و مشکلات رفتاری فرزندان، نتیجه معکوس گرفته شد و فرضیه مورد نظر تأیید نشد. با توجه به اطلاعات حاصل می توان گفت که اختلافات زناشویی والدین و تعارضات خانوادگی و استفاده از سبک های فرزند پروری سهل گیرانه پیش بینی کننده قوی مشکلات رفتاری در کودکان است و شیوه مسئولانه حاکی از روش صحیح تربیتی است که از بروز مشکلات رفتاری در فرزندان جلوگیری می نماید.

شهیم (۱۳۸۶) پژوهشی باهدف بررسی پرخاشگری رابطه ای نزد کودکان پیش دبستانی انجام داد و نتیجه گیری نمود که دختران و پسران ایرانی از نظر پرخاشگری رابطه ای تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند. کودکانی که پرخاشگری رابطه ای به کار می برند نزد هم سالان دارای محبوبیت هستند. نتایج تحقیق احدی (۱۳۸۳) نشان داد که رضایتمندی زناشویی با مشکلات عاطفی رفتاری کودکان ارتباط دارد. ماتسن^۱ (۱۹۷۴) در پژوهش هایش به این نتیجه رسید که با افزایش تعارضات زناشویی عزت نفس کودکان کاهش می یابد و عزت نفس مثبت کودک، با رضایت زناشویی زوجین در ارتباط است (کاشف نیا، ۱۳۸۳). براساس بررسی پترسن^۲ (۱۹۸۲) تداوم پرخاشگری در کودکان ناشی از تعامل های آنان با والدین شان است (بحرینی، ۱۳۷۹). در یک بررسی پارکر^۳ (۱۹۹۲) نشان داد افرادی که نیازهای دوره کودکی شان به گونه ای مناسب ارضا نشده باشد، به هنگام وقوع فقدانها احتمال بیشتری وجود دارد که دچار افسردگی شوند. در این افراد، سبک والدین آنها به صورت یک شیوه مهار فاقد احساس، یعنی ملغمه ای از کم توجهی و بیش حمایتگری بوده است (بحرینی، ۱۳۸۴: ۳۲). هم چنین سترمن و میشل^۴ (۱۹۹۵) طی پژوهش های خود نشان دادند که بین سازگاری زناشویی والدین و عملکرد رفتاری بچه ها در مدرسه ارتباط وجود دارد (کاشف نیا، ۱۳۸۳). مک کورد و همکارانش در تحقیقات خود دریافتند که در میان خانواده های طبقه کارگر، فرزندان نرمال و مطمئن به خود، متعلق به خانواده هایی بودند که مادر خانواده انعطاف پذیری داشت. در مقابل، پسرهایی که از مکانیسم تخلیه سازی استفاده می کردند به خانواده هایی تعلق داشتند که پدر یا مادر آنها روی فرزندان، یا کنترل نداشتند یا بیش از حد آنها را کنترل می کردند، در نتیجه کودکان رفتار پرخاشگرانه زیادی نشان می دادند (گلشن ابراهیمی، ۱۳۵۹: ۳۸).

1. Matson.

2. Peterson

3. Parker

4. Seterman & Michele

نتایج تحقیق وانگ در سال ۲۰۰۱ نشان داد که بین میزان افسردگی نوجوانان مورد پژوهش و رضایت زناشویی والدین آنان ارتباط معنی‌دار وجود دارد. فولی^۱، هیگدان^۲ و وایت^۳ نیز با سنجش کیفی متغیرهای پژوهش، نتایج مداخلات خود را تحت عناوین افزایش صمیمیت و اعتماد در رابطه والد-کودک و تغییر شیوه فرزند پروری کاهش استرس والدینی و بهبود مشکلات رفتاری گزارش نمودند. علاوه بر این، پژوهش‌های مختلف اثربخشی این روش درمانی بر کاهش مشکلات رفتاری و رفتارهای برون‌ریزی شده کودکان را در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکا، کره و ترکیه نشان داده است (لی^۴، ۲۰۰۳).

کاتز و گاتمن^۵ (۱۹۹۳) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند والدینی که برای حل تعارض‌های خود سبک‌های خصمانه‌ای به کار می‌برند، فرزندانانی دارند که دارای نشانه‌های رفتار ضداجتماعی تر هستند.

پژوهش‌ها در مورد سبک‌های فرزند پروری مؤید آن است که والدینی که از الگوهای سخت‌گیرانه استفاده می‌کنند، فرزندانانی دارای مشکلات ارتباطی باهمسالان و رفتارهای پرخاشگرانه خواهند داشت. در مقابل، والدینی که از سبک‌های گرم و پذیرنده استفاده می‌کنند، با مشکلات اجتماعی کمتری در فرزندان خود مواجه می‌شوند (ایزر و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از دبیری، ۱۳۸۹). این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است که آیا بین شیوه‌های تربیتی والدین، رضایت زناشویی و میزان پرخاشگری کودکان رابطه وجود دارد یا خیر؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمام نوآموزان پنج‌ساله ۱۸ مهدکودک شهرستان لامرد و والدینشان که در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در مهدکودک‌های این شهرستان مشغول به فعالیت هستند می‌باشد. در راستای برآورد تعداد نمونه لازم برای اجرای ابزار پژوهش، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده ۵۰ نفر از کودکان مذکور و والدین آنها از جامعه فوق انتخاب شدند. پرسشنامه مربوط به کودکان را مربیان آنها و پرسشنامه والدین را نیز والدین هریک از کودکان انتخاب‌شده، تکمیل کردند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه استاندارد فرزند پروری بامریند^۶ (۱۹۷۲) با ۳۰ سوال و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای که هر ۱۰ سوال یکی از سبک فرزند پروری؛ آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین را می‌سنجد. بوری^۷ (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه قاطع و منطقی و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ گزارش داد. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی آزمون را به شیوه بازآزمایی و بافاصله زمانی

1. Foley

2. Higdon

3. White

4. Lee

5. Katez & Gatman

6. Baumrind

7. Buri

یک هفته برای شیوه سهل گیرانه (۰/۶۹)، شیوه استبدادی (۰/۷۷) و شیوه اقتدار منطقی (۰/۷۳) گزارش نمود. روایی محتوایی آن را نیز با استفاده از ۱۰ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روان پزشکی مورد تأیید قرار داد.

پرسشنامه پرخاشگری آرنولد باس و مارک پری اچ (۱۹۹۲) تدوین شده است که حاوی ۲۹ ماده است چهار جنبه از پرخاشگری (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) را موردسنجش قرار می دهد. پرسشنامه پرخاشگری با نمره کل سؤالات میزان پرخاشگری کلی را می سنجد و نمرات خرده مقیاس های آن تجلیات گوناگون پرخاشگری را نشان می دهد. اعتبار و پایایی پرسشنامه پرخاشگری از همسانی درونی خوبی برخوردار است ضرایب آلفا برای خرده مقیاس های پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۸۵ است و ضریب آلفای کل نمرات پرسش نامه ۰/۸۹ است علاوه براین، پژوهش های انجام شده در ایران نیز اعتبار و روایی پرسشنامه را تأیید کرده اند (لنگری، ۱۳۷۸).

پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ: از این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعدد برای سنجش سطح رضایتمندی در رابطه زناشویی استفاده می شود. پرسشنامه دارای ۱۱۵ سؤال و ۱۲ مقیاس شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوع های شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش های مساوات طلبی و جهت گیری عقیدتی است که روی مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از ۵- ۱ نمره گذاری می شود. فرم ۴۷ سؤالی این پرسشنامه توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) تهیه شده و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است. رسولی (۱۳۸۱) نیز ضریب اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۲ گزارش کرده است (شاهی و همکاران، ۱۳۸۹).

به منظور تحلیل آماری داده ها از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحلیل توصیفی از شاخص هایی چون؛ فراوانی، میانگین، انحراف معیار و جداول و در تحلیل استنباطی نیز از آزمون هایی چون؛ «ضریب همبستگی پیرسون»، استفاده شده است.

یافته ها

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد و مؤلفه ها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
پیش بین	فرزند پروری دموکراتیک	۵۰	۳۹/۲۸	۵/۳۱۹
	فرزند پروری سهل گیرانه	۵۰	۳۰	۵/۸۰۶
	فرزند پروری مستبدانه	۵۰	۲۸/۲۴	۵/۹۱۶
	سبک فرزند پروری (کل)	۵۰	۳۲/۵۰۶	۵/۶۸۰
	پاسخ قراردادی	۵۰	۸/۶۲	۱/۸۱۷
	رضایت زناشویی	۵۰	۱۸/۹۲	۵/۳۴۵
	موضوعات شخصیتی	۵۰	۹/۱۸	۲/۳۱۸
	ارتباط زناشویی	۵۰	۹/۳۰	۲/۳۰۶
	حل تعارض	۵۰	۱۴/۳۴	۲/۰۴۷

۱/۳۳۵	۷/۸۲	۵۰	مدیریت مالی	
۱/۵۵۲	۵/۷۲	۵۰	فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت	
۱/۸۱۳	۷/۰۲	۵۰	روابط جنسی	
۱/۹۸	۱۳/۱۴	۵۰	ازدواج و بچه‌ها	
۲/۵۵۲	۱۲/۲۶	۵۰	بستگان و دوستان	
۱/۱۷۹	۵/۲۸	۵۰	نقش‌های مربوط به برابری مرد و زن	
۱/۵۰۱	۱۳/۵۴	۵۰	جهت‌گیری عقیدتی	
۸/۰۵۶	۱۲۵/۱۴	۵۰	رضایت زناشویی (کلی)	
۸/۱۰۱	۲۷/۶۴	۵۰	فیزیکی	ملاک
۴/۱۳۲	۱۵/۷۸	۵۰	کلامی	
۶/۰۸۷	۱۸/۳۶	۵۰	خشم	
۹/۲۱۸	۲۹/۸۲	۵۰	خصومت	
۲۴/۵۷	۹۱/۶	۵۰	پرخاشگری (کل)	

از آنجاکه نرمال بودن توزیع متغیرها در رگرسیون، از مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها می‌باشد، پیش از بررسی فرضیه‌های تحقیق، با استفاده از آزمون نا پارامتری کلموگروف - اسمیرنوف، فرض نرمال بودن توزیع داده‌های به‌دست‌آمدهی مربوط به هر یک از متغیرها را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج حاصل از انجام آزمون کلموگروف اسمیرنوف، در جدول شماره ۲ خلاصه‌شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

P-Value	مقدار آماره‌ی Z	متغیر	
۰/۶۳۰	۰/۷۴۹	پرخاشگری کودکان	
۰/۴۱۶	۰/۸۸۳	دموکراتیک	شیوه‌های فرزند پروری والدین
۰/۴۹۷	۰/۸۲۹	سهل‌گیرانه	
۰/۸۲۴	۰/۶۲۹	مستبدانه	
۰/۹۲۵	۰/۵۴۸	رضایت زناشویی والدین	

از آنجاکه مقدار p -value به‌دست‌آمده برای کلیه متغیرهای پژوهش، عددی بزرگ‌تر از $۰/۰۵$ می‌باشد، دلیلی برای رد فرض صفر وجود نداشته و فرض نرمال بودن، در مورد کلیه متغیرها تأیید می‌شود.

فرض اول پژوهش عبارت بود از اینکه «بین سبک فرزند پروری دموکراتیک والدین و مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنادار وجود دارد». برای بررسی رابطه بین سبک فرزند پروری دموکراتیک والدین و مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان داده‌شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین شیوهی فرزند پروری دموکراتیک والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان

شیوهی فرزند پروری دموکراتیک		متغیر
<i>p-value</i>	ضریب همبستگی	
۰/۰۲۵۴	-۰/۱۶۴	پرخاشگری فیزیکی
۰/۰۶۵۹	-۰/۰۶۴	پرخاشگری کلامی
۰/۵۳۹	-۰/۰۸۹	خشم
۰/۳۲۰	-۰/۱۴۳	خصومت
۰/۳۳۰	-۰/۱۴۱	پرخاشگری

اگرچه مقادیر به دست آمده برای ضریب همبستگی حکایت از وجود رابطه‌ی معکوس بین شیوهی فرزند پروری دموکراتیک با پرخاشگری و نیز هر یک از مؤلفه های آن دارد اما با توجه به مقادیر به دست آمده برای *p-value* ملاحظه می شود که هیچ یک از این روابط در سطح پنج درصد معنادار نمی باشند ($p-value > 0,05$). بنابراین فرضیهی اول تحقیق پذیرفته نمی شود یا به عبارت دیگر فرض صفر تأیید می شود. لذا هیچ رابطه معناداری بین سبک فرزند پروری دموکراتیک والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) وجود ندارد.

فرض دوم پژوهش عبارت بود از اینکه «بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنادار وجود دارد» برای بررسی رابطه بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین شیوهی فرزند پروری سهل گیرانهی والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان

شیوهی فرزند پروری سهل گیرانه		متغیر
<i>p-value</i>	ضریب همبستگی	
۰/۸۱۸	۰/۰۳۳	پرخاشگری فیزیکی
۰/۲۰۲	۰/۱۸۴	پرخاشگری کلامی
۰/۵۴۴	۰/۰۸۸	خشم
۰/۹۴۶	۰/۰۱۰	خصومت
۰/۶۴۲	۰/۰۶۷	پرخاشگری

اگرچه مقادیر به دست آمده برای ضریب همبستگی حکایت از وجود رابطه‌ی مستقیم بین شیوهی فرزند پروری سهل گیرانه با پرخاشگری و نیز هر یک از مؤلفه های آن دارد اما با توجه به مقادیر به دست آمده برای *p-value* ملاحظه می شود که هیچ یک از این روابط در سطح پنج درصد معنادار نمی باشند ($p-value > 0,05$). بنابراین فرضیهی دوم تحقیق پذیرفته نمی شود یا به عبارت دیگر فرض صفر تأیید می شود. لذا هیچ رابطه معناداری بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) وجود ندارد.

فرض سوم پژوهش عبارت بود از اینکه «بین سبک فرزند پروری مستبدانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنادار وجود دارد.» برای بررسی رابطه بین سبک فرزند پروری مستبدانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری

کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه والدین و مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان

شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه		
ضریب همبستگی	<i>p-value</i>	
-۰/۰۹۷	۰/۵۰۵	پر خاشگری فیزیکی
-۰/۲۲۰	۰/۱۲۵	پر خاشگری کلامی
-۰/۰۱۵	۰/۹۱۵	خشم
-۰/۰۴۱	۰/۷۷۷	خصومت
-۰/۰۸۸	۰/۵۴۳	پر خاشگری

اگرچه مقادیر به دست آمده برای ضریب همبستگی حکایت از وجود رابطه‌ی معکوس بین شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه با پر خاشگری و نیز هر یک از مؤلفه‌های آن دارد اما با توجه به مقادیر به دست آمده برای *p-value* ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از این روابط در سطح پنج درصد معنادار نمی‌باشند ($p-value > 0,05$). بنابراین فرضیه‌ی سوم تحقیق پذیرفته نمی‌شود یا به عبارت دیگر فرض صفر تأیید می‌شود. لذا هیچ رابطه معناداری بین سبک فرزند پروری مستبدانه والدین و مؤلفه‌های پر خاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) وجود ندارد.

فرض چهارم پژوهش عبارت بود از اینکه «بین رضایت زناشویی والدین و مؤلفه‌های پر خاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنادار وجود دارد». برای بررسی رابطه بین رضایت زناشویی والدین و مؤلفه‌های پر خاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. ماتریس همبستگی بین رضایت زناشویی والدین و مؤلفه‌های پر خاشگری کودکان

رضایت زناشویی والدین		
ضریب همبستگی	<i>p-value</i>	
۰/۰۰۷	۰/۹۶۰	پر خاشگری فیزیکی
-۰/۰۴۷	۰/۷۴۳	پر خاشگری کلامی
۰/۰۴۰	۰/۷۸۲	خشم
۰/۰۳۶	۰/۸۰۵	خصومت
۰/۰۱۸	۰/۹۰۲	پر خاشگری

با توجه به مقادیر به دست آمده برای *p-value* در جدول ۶، ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از مقادیر ضریب همبستگی در سطح پنج درصد معنادار نمی‌باشند ($p-value > 0,05$). بنابراین فرضیه‌ی چهارم تحقیق پذیرفته نمی‌شود یا به عبارت دیگر فرض صفر تأیید می‌شود. لذا هیچ رابطه معناداری بین رضایت زناشویی والدین و مؤلفه‌های پر خاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) وجود ندارد.

فرضیه پنجم پژوهش عبارت بود از اینکه «بین رضایت زناشویی والدین و سبک فرزند پروری آنان رابطه وجود دارد». برای بررسی رابطه بین رضایت زناشویی والدین و سبک فرزند پروری آنان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. ماتریس همبستگی بین رضایت زناشویی والدین و سبک فرزند پروری آنها

رضایت زناشویی والدین		
<i>p-value</i>	ضریب همبستگی	
۰/۱۲۹	-۰/۲۱۸	شیوهی دموکراتیک
۰/۵۵۷	-۰/۰۸۵	شیوهی سهل گیرانه
۰/۸۱۵	۰/۰۳۴	شیوهی مستبدانه

با توجه به مقادیر به دست آمده برای *p-value* در جدول شماره ۷، ملاحظه می شود که هیچ یک از مقادیر ضریب همبستگی در سطح پنج درصد معنادار نمی باشند ($p-value > 0,05$). بنابراین فرضیه پنجم تحقیق پذیرفته نمی شود یا به عبارت دیگر فرض صفر تأیید می شود. لذا هیچ رابطه معناداری بین رضایت زناشویی والدین و سبک فرزند پروری آنان وجود ندارد.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد اگرچه مقادیر به دست آمده برای ضریب همبستگی حکایت از وجود رابطه معکوس بین شیوهی فرزند پروری دموکراتیک با پرخاشگری و نیز هر یک از مؤلفه های آن دارد اما با توجه به مقادیر به دست آمده ملاحظه شد که هیچ یک از این روابط در سطح پنج درصد معنادار نمی باشند. پس متغیر شیوهی فرزند پروری دموکراتیک، پیش بینی کنندهی معناداری برای پرخاشگری کودکان نبوده است. یعنی از روی نوع سبک فرزند پروری والدین نمی توان به پرخاشگری کودکان پی برد. یافته های این پژوهش، با اطلاعات به دست آمده از زمینه یابی ها در پژوهش کمالی نیا و همکاران (۱۳۹۰) که دریافته ها نشان دادند که بین سبک فرزند پروری دموکراتیک با پرخاشگری رابطه غیرمستقیم معنادار وجود دارد، غیرهمسو می باشد. که ممکن است به این دلیل باشد که پرسش نامه های پرخاشگری که برای کودکان توسط مربیانشان تکمیل شده به درستی تکمیل نگردیده و یا این که کودکان در مهدکودک با توجه به شرایط آن بروز پرخاشگری ندارند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه والدین و مؤلفه های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنی دار وجود ندارد. و این بدان معنا می باشد که سبک های فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه با توجه به نوع روشی که به کار برده می شود بر میزان پرخاشگری کودک تأثیر معنی داری ندارد در بحث سهل گیرانه کودک چون آزاد است شاید هیچ مانعی بر سر راه خود نبیند که باعث کاهش یا تشدید پرخاشگری وی بشود و در سبک مستبدانه شاید به خاطر ترس باعث عدم بروز پرخاشگری کودک گردد و ممکن است در آینده برون ریزی نماید. که این نتایج با نتایج کمالی و همکاران (۱۳۹۰) و رجب پور (۱۳۹۰) و آرگیز^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نیز همخوانی دارد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر رضایت زناشویی والدین، پیش بینی کنندهی معناداری برای پرخاشگری کودکان نبوده است. یعنی این که با دانستن میزان پرخاشگری کودکان نمی توان به رضایت زناشویی والدین پی برد. یافته های این پژوهش با نتایج

¹. Argys, Ress

احدی (۱۳۸۳)، بابا خانی (۱۳۹۱)، کمالی نیا و همکاران (۱۳۹۰)، رجب پور و همکاران (۱۳۹۰)، زارعی (۱۳۸۹)، رضوی و همکاران (۱۳۸۷)، مابلقیری و همکاران (۱۳۸۵) و کاتز و گاتمن (۱۹۹۳) غیرهمسو می‌باشد. به‌عنوان نمونه نتایج تحقیق احدی (۱۳۸۳) نشان داد که رضامندی زناشویی با مشکلات عاطفی رفتاری کودکان ارتباط دارد. در تبیین یافته‌های پژوهش باید گفت شاید از آنجاکه والدینی که میزان رضایت زناشویی پایینی دارند و به این جهت که ممکن است یا خیلی بحث‌و‌جدل در خانه به بهانه‌های واهی گرفته شود و این بحث‌و‌جدل‌ها و پرخاشگری‌ها به کودک نیز منتقل شود و باعث آرام بودن او و شاید گوشه‌گیری و دیگر مشکلات عاطفی بشود که در پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود بدان پرداخته شود. همچنین با توجه به فرهنگ و رسوم سنتی شهر لامرد زنان و مردان شاید خیلی از مسائل زناشویی و شخصی خود را بروز ندهند و تحمل نمایند و ممکن است به محرمانه بودن نتایج آزمون اعتماد نداشته بودند و ممکن است که آزمودنی‌ها در تکمیل پرسش‌نامه‌ها شانس عمل نموده باشند. و ممکن است که عدم همکاری دقیق والدین در تکمیل پرسش‌نامه‌ها و فقدان دسترسی مجدد به آن‌ها نیز مزید بر علت باشد. این نکته با توجه به نکات فرهنگی غالب در جامعه که اجرای پژوهش‌های میدانی مرتبط با رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز طولانی بودن پرسش‌نامه‌ها تا حدی قابل توجه است. علاوه بر این به نظر می‌رسد محتوای مواد پرسش‌نامه‌ها با وجود در نظر گرفتن حداقل سواد برای پاسخ‌گویان با ابهام و دشواری در فهم مطالب همراه است. بنابراین تأکید می‌گردد در تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر برای تحقیقات آتی احتیاط لازم صورت پذیرد. نتایج پژوهش نشان داد که شیوه‌های مختلف فرزند پروری با رضایت زناشویی رابطه‌ای ندارد. در تبیین یافته‌های پژوهش باید گفت از آنجاکه رضایت زناشویی به روابط بین زن و مرد تا حدودی مربوط می‌باشد و شیوه‌های فرزند پروری به رابطه والدین با کودکان می‌باشد پس رابطه‌ای بین این دو (رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری والدین) نمی‌باشد. البته در پژوهش‌های پیشین (شاهی و همکاران، ۱۳۸۹) بر رابطه رضایت زناشویی و سلامت روان والدین تأکید شده است و از آنجاکه سلامت روان نیز بر نوع فرزند پروری بی‌تأثیر نیست می‌توان پیشنهاد داد که پژوهش بیشتری در این زمینه صورت پذیرد. در حال در پژوهش حاضر بین رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری والدین رابطه‌ای معناداری یافت نگردید و فرض صفر تأیید گردید. با توجه به آن‌که متغیر سن در این پژوهش در نظر گرفته نشده بود ممکن است که شرایط سنی بر میزان رضایت زناشویی تأثیرگذار باشد بنابراین یکی از دلایل عدم ارتباط بین این دو متغیر سن ممکن است که باشد. و یا ممکن است سطح تحصیلات و یا طلاق یکی از والدین، اعتیاد و یا حتی داشتن وسایل ارتباط جمعی مثل ماهواره و اینترنت نوع شغل و یا محل سکونت شهری و روستایی در آن تأثیرگذار باشد و شاید هم آزمودنی‌ها در تکمیل پرسش‌نامه‌ها با توجه به تعداد سؤالات بیشتر و ابهام داشتن در بعضی موارد شانس عمل نموده باشند بنابراین در این مورد به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود احتیاط لازم را مدنظر قرار بدهند و در تعمیم نتایج با احتیاط و از تحقیقات دیگر پژوهشگران نیز استفاده گردد.

نتایج کلی این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های فرزند پروری والدین و مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنی‌دار وجود ندارد همچنین بین رضایت زناشویی والدین و مؤلفه‌های پرخاشگری کودکان (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) رابطه معنی‌دار وجود ندارد. و دیگر نتیجه این بود که بین رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری والدین رابطه معنی‌دار وجود ندارد. نتیجه‌گیری کلی این‌که شیوه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی والدین با پرخاشگری کودکان

رابطه‌ی معنی‌داری ندارد. در تبیین این پدیده، باید گفت با توجه به مطالعات انجام‌شده بر روی مسائل عاطفی و روانی و شیوه‌های فرزند پروری خانواده‌ها و یافته‌های آن‌ها در پاره‌ای از موارد تناقض است. این تناقضات را می‌توان به متغیرهای مختلفی از جمله نوع باور داشت‌های والدین جامعه تحقیق، نوع ابزار به کار گرفته‌شده از سوی آنان و نحوه کنترل متغیرها نسبت داد. به نظر می‌رسد که نتایج پژوهش با توجه به غیرهمسو بودن با نتایج پیشین تحت تأثیر شرایط فرهنگی و آداب و رسوم سنتی شهر لامرد و شاید زیاد بودن تعداد سؤالات پرسش‌نامه‌ها قرار گرفته و یا این‌که آزمودنی‌ها شانس عمل نموده‌اند ولی این محتمل به نظر می‌رسد که با توجه به نوع زندگی سنتی و کوچک بودن محیط و شناس بودن همه‌ی افراد و آداب فرهنگی غالب در جامعه که انجام پژوهش‌های میدانی مرتبط با رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شاید ایمان نداشتن به محرمانه بودن داده‌ها، نتایج پژوهش تحت تأثیر این مورد قرار گرفته باشد.

منابع

- احدی، بتول (۱۳۸۳). رضامندی زناشویی ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان، *مجله روان‌شناسی*، ۸(۴)، ۱۸-۱۳.
- اسرافیان، فروغ؛ زاری گل، زینب. (۱۳۸۹). پرخاشگری در کودکان. *کودک*، ۶۷، ۲۹-۲۸.
- اعزازی شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- باباجانی پور، حمید (۱۳۹۱). مقایسه عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی والدین نوجوانان اقدام کننده و غیر اقدام کننده به خودکشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، چاپ‌نشده، دانشگاه علم و فرهنگ.
- بحرینی، شهناز (۱۳۷۹). رابطه شیوه‌های فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مؤلفه‌های خود پنداشت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد شیراز.
- برومندنسب، مسعود (۱۳۷۶). بررسی رابطه نگرش‌های فرزند پروری والدین و جایگاه مهار در دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*.
- بنی جمالی، شکوه؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، سیده منور (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۱-۲)، ۱۴۳-۱۷۰.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- حسینی نسب، سیدداوود؛ احمدیان، فاطمه و روانبخش، محمدحسین (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان، *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۹(۱)، ۳۷-۲۱.
- دبیری، سولماز؛ دلاور، علی و صرامی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی نقش پیش‌بینی کننده سبک‌های فرزند پروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. *فصل نامه تربیتی*، ۲۰(۷)، ۱۶-۱.
- اکستین، دنیل و کرن، روی (۱۳۸۹). ارزیابی و درمان سبک زندگی ترجمه حمید علیزاده، محسن سیفی و فروزان کرمی، اهواز: نشر رسش.

- رجب پور، مجتبی؛ مکوند حسینی، شاهرخ و رفیعی نیا، پرورین (۱۳۹۱). اثربخشی گروه‌درمانی رابطه والد-کودک بر پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی. مجله روانشناسی بالینی، ۱۰۴(۱۳)، ۶۵-۷۴.
- رضوی، عبدالحمید؛ محمودی، میترا و رحیمی، محبوبه (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان. خانواده و پژوهش، ۲(۴)، ۷۳-۹۰.
- زارعی، اقبال (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر، ویژه نامه همایش رفتارهای پرخطر، ۱۸، ۳.
- سعیدی، طلعت (۱۳۹۱). پرخاشگری در دوره دبستان، دفتر امور اداری، رفاه و پشتیبانی، گروه بهداشت حرفه‌ای.
- سلیمانان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی تأثیر افکار غیر منطقی بر رضامندی زناشویی دانشجویان معلم، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شاهی، عبدالستار؛ غفاری، ابراهیم و قاسمی، خلیل (۱۳۸۹). رابطه سلامت روان و رضایت‌مندی زناشویی زوجین، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۵(۲)، ۱۱۹-۱۲۶.
- شهیم، سیما (۱۳۸۶). پرخاشگری رابطه‌ی ای در کودکان پیش‌دبستانی. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۵۰، ۲۶۴-۲۷۱.
- عربگل، فریبا (۱۳۸۷). فرزند پروری: چگونه کودک را تربیت کنم؟ تهران: نشر قطره.
- کاشف نیا، معصومه (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه بهداشت روانی فرزندان در خانواده‌های گسسته و آشفته. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بجنورد.
- کمالی نیا، محسن؛ شریفی درآمدی، پرویز و آهنگرانزایی، احد (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱(۱)، ۸-۱.
- گلشن ابراهیمی، گلرخ (۱۳۵۹). خصوصیات روش‌های تربیت فرزند والدینی از دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد مرودشت.
- لنگری، محمدرضا. (۱۳۷۸). مقایسه میزان پرخاشگری دانش‌آموزان پسر مهاجر سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهر بجنورد، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم.
- مارتین هربرت (۱۳۸۴). روانشناسی بالینی کودک، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- ملا باقری، معصومه؛ جلال منش، شمس‌الملوک و زراعتی، حجت (۱۳۸۳). بررسی میزان نشانه‌های افسردگی نوجوانان و ارتباط آن با رضایت زناشویی مادران آنان در شهرستان تویسرکان در سال ۱۳۸۳. فصل نامه اصول بهداشتی روانی، ۸(۲۹-۳۰)، ۴۳-۵۰.
- میراحمدی زاده، علیرضا؛ نخعی امرودی، نوذر؛ طباطبایی، سید حمیدرضا؛ و شفیعیان، رامین (۱۳۸۲). رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز. اندیشه و رفتار، ۸(۴)، ۵۶-۶۳.
- میرثانی، هاشم (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزند پروری مادران کودکان عادی و کودکان دارای اختلال یادگیری، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی بیرجند.

- Argys, L. M., Ress, D. I. (2006). Birth order and Risky adolescent behavior. *Economic Inquiry*, 44, 215–233.
- Castellan, Y., (1986). *La famille, Que sais-je?* No 1995
- Katz, L. F., & Gottman, J. M. (1993). Patterns of marital conflict predict children's internalizing and externalizing behaviors. *Developmental Psychology*, 29, 940-950.
- Lee, M., Landreth, G. (2003). Filial therapy with immigrant Korean parents in the United States. *International J Play Therapy*, 12, 67-85.
- Small, S. A., & Luster, T. (2004). Social information processing factors in reactive and proactive Aggression in childrens peer groups. *Journal of personality and Social Psychology*, 82, 835–848.
- Wang, L., Crane, R. (2001). The relationship between marital Satisfaction, Marital stability, nuclear. family triangulation, and childhood depression. *The American Journal of family Therapy*, 29, 337-347.

